

تخييس دالية المتّبّى و تخييس الحماسة اللامية للمعرّى -

علامه محمد صالح حائری مازندرانی، سیدمحمد حسینی لرگانی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دهم، شماره ۴۰ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، پاییز ۱۳۹۲، ص ۹۷ - ۱۱۸

تخييس دالية المتّبّى و تخييس الحماسة اللامية للمعرّى

علامه محمد صالح حائری مازندرانی

به کوشش: سیدمحمد حسینی لرگانی*

چکیده: این گفتار، حول محور چند قصيدة عربی مانند قصيدة دالية سروده متّبّى و لامیه معزی است که شیخ محمد صالح حائری مازندرانی (متوفی ۱۳۹۱ هجری قمری) در مدح امام رضا علیه السلام تخييس کرده است. متن اصلی این تخييس‌ها در نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بوده که برای نخستین بار به چاپ می‌رسد. محقق در مقدمه، به شرح حال و آثار و جایگاه ویژه حائری مازندرانی در ادبیات عرب اشاره می‌کند.

کلیدواژه‌ها: امام رضا علیه السلام - ادبیات عرب / متّبّى - قصيدة دالية / معزی / حائری مازندرانی، صالح ° اشعار عربی / ادبیات رضوی ° قصاید عربی.

*. پژوهشگر، مؤسسه کتابشناسی شیعه، قم.

تخمیس دالیه المتنبی و تخمیس الحماسة اللامیة للمعری از آثار منظوم مرحوم آیة الله حاج شیخ محمد صالح حائری مازندرانی (۱۲۹۸ - ۱۳۹۱ هـ) است که در این مقاله به آن پرداخته ایم.

مؤلف کیست؟

مرحوم آیة الله حاج شیخ محمد صالح حائری مازندرانی از خاندان علم و تقوا، به سال ۱۲۹۸ق^۱ در کربلا متولد شد و از همان کودکی در محضر پدر و برادر دانشمند خویش تربیت شد. پدرش آیة الله میرزا فضل الله حائری مازندرانی از علماء کربلا و مادرش دختر مرحوم حاج ملا محمد یوسف استرابادی صاحب رساله *صیغه العقود* می باشد. به گفته خودش از خردسالی به تحصیل دانش پرداخت، آنهم به روش معمول آن زمان؛ اویل فارسی و بعد قرآن، امثاله، شرح امثاله، صرف میر و کبری. سپس نحو و صرف و منطق عربی و معنی را نزد ملّا عباس مشهور به اخفش یزدی و مطوّل را نزد ملا علی سیبویه آموخت. شرح لمعه را نزد پدر و قوانین، رسائل، مکاسب، ریاض، اسفار، منظمه سیزواری و شرح مطالع را نزد برادر خویش شیخ علی علامه تحصیل کرد بطوریکه این کتب را در ضمن تحصیل، تدریس هم می کرد. سپس ۱۲ سال در نجف اشرف در حوزه درس حضرات آیات آخوند خراسانی و میرزا حسین ابن میرزا خلیل تهرانی شرکت و به درجه اعلای اجتهد رسید.^۲

۱. ماده تاریخ تولد او را پدرش اینگونه مینوی. د. «بالخلف الصالح قولها مرحبا ۱۲۹». ۲. به گفته برادرش شیخ علی علامه او در ۶۶ سالگی مجتهد بوده است.

او با تسلط بر ادبیات عرب و ذوق شعری خود در نظم فارسی و عربی بسیاری از کتبی را که درس گرفته به نظم در آورده است. قرآن را به نظم کشیده و دو دیوان شعر به نامهای دیوان ادب و بستان ادب دارد. بسیاری از اشعار وی به صورت خطی باقی مانده است و چاپ نشده است. تألیفات او در علوم مختلف بیش از ۳۰۰ عنوان می‌باشد.^۱

استاد محمد رضا حکیمی گوید:

علامه در ادبیات عرب نیز از اساتید مسلم بود و اطلاعاتی بسیار وسیع داشت و تألیفات و آثاری، از جمله قصیده بدیعیه، و شرحی بر آن، حاشیه‌ای بر «انوار الربيع»، و دیوانی به عربی. او به فارسی نیز شعر می‌گفت ولی در نظم عربی، قدرتی شگفتی زای داشت و یکی از نمونه‌های کم مانند ایرانیانی بود که شعر عربی را در حد بالا می‌سرایند. (ادبیات و تعلیم در اسلام، محمد رضا حکیمی، ص ۲۰۹)

وی پس از سالها مجاهدت خستگی ناپذیر در عرصه تحصیل، تدریس، تحقیق، تأليف و تبلیغ - در حالی که بیش از ۹۰ سال از عمر شریفش می‌گذشت - در سال ۱۳۹۱ هـ ق در سمنان به دیار باقی شتافت و در جوار حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا علیه السلام به خاک سپرده شد. رحمة الله عليهم اجمعين.

این رساله

علامه حائری در این رساله دو قصیده از دو شاعر مشهور عرب را تخمیس کرده است: یکی از متنبی (متوفی ۳۵۴) و دیگری از معربی (متوفی ۴۴۹).

۱. در کتاب خدمتگزاران علم کتاب چاپ آبان ۵۵ هـ آمده است که بیش از ۰۰۰ عنوان است. آثار قلمی او همراه با کتابخانه نفیش وقف کتابخانه استان قدس رضوی شده است. هر چند از کتابخانه ایشان در مدرسه بابل و سمنان کتب اندکی باقی مانده و در نزد بعضی از افراد شماری از دست نوشته‌ها هنوز هم باقی است.

موضوع اشعار:

موضوع این تخمیس، مدح حضرت زهرا سلام الله علیها می‌باشد که به درخواست برادرشان مرحوم محمدحسن برهانی نوشته‌اند و دارای ۴۸ بند می‌باشد. در ادامه تخمیس حماسه لامیه معزی را آورده‌اند که ۳۱ بند دارد. سپس به مدح امام رضا علیهم السلام می‌پردازند و در آخر در ۲ صفحه قصیده‌ای با عنوان شکریه آورده‌اند. ظاهراً علامه به بیماری چشم درد مبتلا شده و جهت درمان، متولّ به حضرات معصومین علیهم السلام شده و این اشعار را به آن حضرات تقدیم نمودند. طبق تاریخی که خود حضرت علامه در ابتدا و یا در انتهای اشعار قرار داده‌اند، تاریخ نوشنی اشعار ۱۳۶۱-۱۳۶۲ هـ ق می‌باشد. آنچه در این اشعار جلب نظر می‌کند، علاوه بر قدرت ادبی و واژگانی ناظم، اشاره‌های مکرر به مضامین روایی و تاریخی معتبر به طور بسیار فشرده و به بیان ادبی است که شرح و توضیح آن مجال دیگر می‌طلبند.

نسخه مورد استفاده:

این نسخه (تخمیس دالیه المتنبی و الحماسة اللامية للمعمری) از نسخه‌های موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران می‌باشد به شماره ۸۰۲ به خط نسخ متعلق به قرن ۱۴ و در ۲۵ برگ (فهرست دانشگاه ج ۱۷، ص ۲۲۴) که در تاریخ ۱۳۵۲/۰۸/۱۶ از ورثه مرحوم فروزانفر خریداری و به گنجینه نسخ خطی کتابخانه افروده شد. از این اشعار با خط مؤلف، نسخه دیگری در کتابخانه آستان قدس رضوی از مجموعه عربی و فارسی جنگ و مجامیع به شماره ۱۱۳۸۸ موجود است.

این تخمیس بر اساس نسخه دانشگاه تصحیح شده و برای نخستین بار منتشر می‌شود.

تخميس دالية المتنبي
بسم الله الرحمن الرحيم

تخميس دالية المتنبي، أنشأتها في عيد الأضحى في مستشفى الشاه رضا في المشهد المقدس الرضوي أرواحنا فداه (١٣٦١) متحلّساً إلى مناقب سيدنا البطل الزهراء سلام الله عليها حسب ما اقترحوه على أخي الفاضل محمد حسن البرهاني كما شرحته في مقدمة هذه المجموعة المسمّاة بالأربعة المتناسبة:

(١) نَقْدُ روحي لِوَرَاجَ بَيْنَ النُّقُودِ
عَقْدُ جَيْدِ الرَّشَا وَشِينْفُ الْخُودِ
وَدَمِي حَلَّ بَيْنَ قَتْلِي الْخَرِيدِ (الْخَرُودِ)
كَمْ قُتِيلٌ كَمَا قُتِلتْ شَهِيدٌ
لِبِياضِ الطَّلَاءِ وَرَدِ الْخُدُودِ

(٢) عَلِقَ الْقَلْبُ فِي رَبَابَ عَيْنِ
بَيْنَ بَانِ الْجَرْعَى وَمَاءِ مَعْيَنِ
وَغِرَاثِ الْوِشَاجِ لَا كَالْمُونُ
فَتَكَتَّبَ بِالْمُتَبَسِّمِ الْمُعْمُودِ

(٣) يَا لِيَالٍ حَلَّتْ بِأَنْعَمْ حَجَرٍ
لِي وَحْولِي الدُّمْيِي يَحرَّ مِنْ هَجْرِي
وَبِخَدْيِي غَضَاضَةُ الْفُصْنِ تَجَرَّي
رِذْلَوْلِي بِدَاسِرِ أَثْلَةِ عَوْدِي

(٤) نَاهِدَاتِ الْشَّدِيِّ تَجَلُّوا صُدُورًا
خَفَرَاتِ مَهْفَهَاتِ خُصُورًا
عُمْرَكَ اللَّهُ هَلْ رَأَيْتِ بُدُورًا
خَفَرًا مَدَّ حَوْلَهُنَّ خُدُورًا

(٥) مَا لِذِي الْقَلْبِ مِنْ هَوَاهُنَّ مِنْ بُدَّ
مِنْ رَأَاهَا بَخْسِيسٌ لَهَا خَالِصُ الْوَدَّ
مَنْ زَنْتُهُ لَمْ يَمْلِكِ الْعُودَ لَوْ رَدَّ
بُتْشَقُ الْقُلُوبُ قَبْلَ الْجُلُودِ

(٦) سَامِرَتِنِي بِمَكْرُومَاتِ الصَّفَاتِ
سَمَرًا لَانَّ مِنْهُ قَلْبُ الصَّفَاتِ
يَتَرَشَّفُنَّ مِنْ فَمِي رَشَّافَاتِ
هُنَّ فِيهِ حَلَاؤُ التَّوْحِيدِ

(٧) الْعَوَالِي قُدوَّدُهَا تَتوَسُّمُ
وَالْغَوَالِي شَذَّا لَمَا هُنَّ تَشَتَّمُ
كُلَّ خُمْصَانَةٍ أَرْقَ مِنَ الْخَمَّ
وَالرَّحِيقُ الْمُخْتَوْمُ مِنْهُنَّ فِي الْفَمِ

- ٨) قاسِياتٌ على المُسَىءِ بها الظُّنْ
 (بيته) أو بعينِ أخرى إلى الصُّفرا منع
 ذاتُ فرعٍ كأنما ضربَ العن
 وعلى أصله بغارتها شفنَّ
- ٩) زَرَنِيرٌ في سَدًّا منسوجٌ
 عَلَقَهُ جَوَهْرُ غَلَادٍ وَمُزْوَجٌ
 حالكٌ كالغافِ جثلٌ دَجُوجٌ
 تَلَالًا لِيَلًا خَلَالُ الْحُدوْجٌ
- ١٠) لو رأى مشطها الفُؤَادُ بِحَرَّ
 يُؤثِثُ جَعِيدَ بِلا تَجْعِيدٍ
 وَدَّ فيه مُقامَهُ الْمُسْتَقْرَّ
 ظَلَّ يَسْتَافُ مِنْهُ رَيَا تُسَرَّى
- ١١) غَنِيتَ عن وَبِيصِ غالِيَةِ الْحُقْ
 فَهِيَ أَغْلَى سَلَ الذِّي شَمَّ يَصْدِقُ
 جَمِيعَ بَيْنِ لِلضَّفَرِ تَفْرُقٌ
 مِّ وَبَيْنِ الْجُفُونِ وَالْتَّسْهِيدٍ
- ١٢) أَنَا حَكَمْتُهَا لِدُنْيَا وَ دِينٌ
 فِي الْهُوَى عَنْ بَصِيرَةٍ وَ يَقِينٍ
 مَا أَبَالِي إِذَا قَطَعْنَ وَتَيَّنِي
 فَانْقَصَيْ منْ عَذَابِهَا أَوْ فَزِيْدي
- ١٣) وَلَئِنْ قُصَّ أَجْنَحِي بِالْمَقْصَنِ
 لَسْتَ عَنْ جَهَنَّمَ أَحْلَ التَّفَصِّيَ
 حَبَّهَا حَبَّهُ الْفُؤَادُ كَفَصَ
 حَدَّ بِنَصْفِيفِ طُرَّةٍ وَ بِجَيْدِ
- ١٤) أَيْنَ سَاقِ مُقْرَطَقُ بَسَامُ
 مِنْهُ يَسْعَى إِلَى النَّدَامِيِ الْمَدَامُ
 كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الدَّمَاءِ حَرَامٌ
 شُرُبُهُ مَا خَلَا ابْنَةِ الْعُنْقُودِ
- ١٥) فَهُوَةٌ فِي الْعِظَامِ دَبَّتِ بِحَسَنٍ
 غَاصَّ بِالْمِسْكِ مُجْتَنَاهَا بِغَمْسٍ
 فَأَسْقِيَنَاهَا فِدَأِ لَعِينَكِ نَفْسِي
 مِنْ غَزَالٍ وَ طَارِفيٍ وَ تَلِيدِي
- ١٦) لَسْتُ أَفْدِيكِ بِي بِلِفَظِ مَقْوُلٍ
 فَنَدَ الْكَبْدُ بَأْنَ تَأْبَى عُقُولِي

- إن ديني صدقُ الهوى بالقَبُولِ
شيبُ رأسي وَذَلِّي وَنُحُولِي
وَدُمْوعي على هواك شهودي
- ١٧) إن عطفني بحلية الصيف حالياً
فأسامعني مُخاطباً لك حالياً
أي يوم سرتني بوصال
لم ترو عنّي ثلاثة بصدودِ
- ١٨) كنت قدمًا في جنة الخلد حلاً
فَتَرَامى بي النوى مستيقلاً
كمقام المسيح بين اليهودِ
- ١٩) ما ارتضت بعد نجذتي لي مساكن
لا ولا ماجداً رأيت أساكن
ليس في الأرض للسماء أماكنٌ
مفرشي صهوة الحصان ولكن
ن قميصي مسرودة من جديدِ
- ٢٠) كم زرود سردت بالإخلاص
لان في سردها قوى المعتاص
فتندوا ولات حين مناص
أحكامت نسجها يدا داود
- ٢١) وقد طاب عيش من ظل بسفه
وترى الجاهل المعماري يُرفَه
لكن الفاضل المُبرِز يحبه
ر يعيش مُجلِّ التَّنكِيدِ
- ٢٢) جاءني الرزق حيث كنت مع العزِّ
خ لا كمن قال واجتندا غير ملْغِزٍ
م لم أكُن للملي بالمتجرز
ق قيامي وقل عنه قُعودي
- ٢٣) ما كفاه الكفاف عن سحب سحم
فاصطلى نار ملك عرب وعجم
أبداً أقطع البِلاد ونجمي
قائلاً بعد أن هجاهم بترجمي
- ٢٤) وبلاع الأرزاق قد خمنَ الرَّبُّ
و الرضا بالضمان للحر أنجب
فقل الآن قول من لا يكذبَ
لُغ باللطفِ من عزير حيمد

- (٢٥) هل إلى الله من سما قدره حط
 يبلغ الله خير ما قيل أو حط
 أو أعاش الذي أتقى عيشة الزط
 لسرى لباسه خشن القط
- (٢٦) كل إلى الله كل أمر تقييم
 و اصطبر إن دهاك داه عظيم
 عش عزيزاً أو مُتْ و أنتَ كريم
 ثق برب صراطه مُستقيم
- (٢٧) وقل الحق حيث أحبي بلاعى
 وأمات الضلال أو قتل الحى
 فرئوس الرشد لا الغي
 بين طعن القنا و خفق البند
- (٢٨) لا كمن إن يقل فغير سديد
 لا و من إن يصل فغير شديد
 لا إذا ما حيت غير سعيد
 و إذا مُتْ مُتْ غير فقيد
- (٢٩) و انتصب للهدي ولو نطل بالغل
 ولئن تطلب العلي و التطل
 ولو كان في جنان الخلود
- (٣٠) قيمة المرأة أن يضر وينفع
 فالتوقي ليس المنية يدفع
 بخض القرن و الفتى الخل يرفع
 يقتل العاجز الجنان وقد يع
- (٣١) من بريش الجناح يجثم فرنخ
 إنما المجد فلق بيض وصح
 لا بقى الترف الرفاه المرض
 جز عن قطع بحنق المولود
- (٣٢) كتب المجد في الوجه وهو متلو
 يوم يدع الداعي فلباه مدعو
 و يوقى الفتى المخش وقد فهو
 رض في ماء (الصنديد)
- (٣٣) ندب المجد لفتى المندوب
 قال لا تغل في علا المنسوب
 لا يقومي شرفت بل شرفوا بي
 قل لمجد قد حزت غير مشوب

وَ بِنَفْسِي فَخَرَتُ لَا بِجُدُودِي

(٣٤) كم يهم من بفرد الجم فضيًّا
وعن المذنبين بالغفو غصًا
وِحْمَاهُمْ لَا زال مُرًا أمضاً
وَبِهِمْ فخرُ كل من نطق الضًا
دَوَّعَوْزِ الجناني وَغوثُ الطريدي

لَمْ يَحْدُدْ فَوْقَهُ، نَفْسَهُ مِنْ مَزِيدٍ
 إِنَّمَا الْفَضْلُ فِي ذَوِيِّ نَصِيبٍ
 لَا تَلَمِنِي فَالْقَوْلُ صِدْقًا يَطِيبُ
 إِنْ سَعَى ثُمَّ مُخْطَأً وَ مُصِيبٌ
 إِنْ أَكْنَ مُعْجَبًا فَعَجْبٌ عَجِيبٌ

(٣٦) أنا ربّ القريض في الأكتافِ
من يُسوّي طاوسه بالعذافِ
وَسَدَاهُ وَعَنْبَرُ الْمُسْتَافِ
أنا تربُّ النّدا وَرَتُّ القوافي
وَسَفَاهُ العدا ه غَيْظُ الحسَمِ

٣٧) وَفُرَاتُ الصَّادِينَ نَهَلًا وَعَلَا
أَنَا مِنْ لَمْ أَرْلَ على الْخَيْرِ دَلًا
وَالْمُحَامِي لِمَنْ تَزَكَّى وَصَلَى
أَنَا فِي أُمَّةٍ تَدَارِكَهَا اللَّهُ
ـ غُبْ بُـ كَصَالِحٍ فـ ثَمَودٌ

(٣٨) طابَ ختّماً قصيدةُ المُتنبّي
خمسُه قريحةُ المتصبّي
وَخِتَامُ القصيدَ بِاسْمِ نَبِيٍّ
وَهُوَ شِيخٌ لِمُثْلِ ذَا مُثْلَيٍ

٣٩) وَيَهُ وَالدَّايِ قَدْ سَمِيَّانِي
فَاطِمُ الْأُمُّ خَلَدَا فِي الْجَنَانِ
ذَاكَ فَضْلُ اللَّهِ الَّذِي أَتَانِي
أُمَّةُ الطَّهْرِ خِيرَةُ النِّسَوانِ

٤٠) إنما سُمِّيَتْ بِهَا حِيثُ يُعَظِّمُ
يَوْلَاها شَيْعَهَا عَنْ جَهَنَّمَ
يَا لَهَا مِنْ عَلِيْمَةٍ لَمْ تُلَمَّ
زَوْجٌ مَنْ فَضَلَهُ عَنِ الْوَصْفِ أَعْظَمُ

٤١) ربَّ الْفَضْلِ وَالْهُدَى وَالصَّوَابِ
وَالْتَّقْيَى وَالشَّفَعَى يَوْمَ الْحِسَابِ
تَبَعِيدُ اللَّهُ عَنْ خُلُوصِ الْلَّبَابِ
زَاهِرًا نُورُهَا عَلَى الْمُحْرَابِ

للسماءِ كالنجومِ ذاتِ الْوَفُودِ
لمَّا تَرَ الرَّسُولُ فِي بُيُوتِ هُدَاهَا
مِلَّهَا فَالنُّفُوسُ طَرَّافَدَاهَا

يا لدين الإسلام كيف رضاها

عن ذويه أذ يلتقون الله

فهي في الناس حجة المعبد

(٤٣) هل سمعتم بخطبة الزهراء

ذوبت كل صخرة صماء

خلف ستير محفوفة بالنساء

في اجتماع الأشraf والأمراء

وموالى رجالهم والعبيد

(٤٤) كيف أحيايت قواعد الدين طرا

وابانت حقيقة الآي غمرا

وحقت للحق حلو ومرا

ذاك سخن عيبا و آخر قرا

بالبلاغ المحيي المميت النضيد

(٤٥) من وعاها بأذن قلب سميها

شاهد أن حقها قد أضيعا

ما نهاهم لو أمرها قد أطاعها

أو دهائم لو شبّلها ما أجيئها

هذه حيرة الفؤاد المصيد

(٤٦) سقطت مريمًا وأسى وحوا

مكرمات بها هداها تقوا

садات العالمين والله سوى

عنصر الحور في قواها وقوى

بولاها التقوى برغم الك nondot

(٤٧) هذه مدحتي ونفته صدري

في جوار الرضا العلي بقدر

للبتول الحوراء أضوء بدر

وهي سقمي الذي أقصيه بدر

وشفائي مُجلاً مقصودي

(٤٨) رحم الله والدي وحينا

وعلياً وأحمدًا أخويَا

حسن المحبتي أخي الله هيأ

مرفقاً في شؤونه طاب ريا

في بساري وخفض عيش رغيد

تم بحمد الله وفضله، وصلى الله على الزهراء وأبيها وبعلها وبنتها عدد ما في علمه، في مستشفى الشاه رضا في المشهد المقدس الرضوي أرواحنا فداء، في أول أيام البيض ثالث عشر ذي الحجة الحرام من عام (١٣٦١هـ) بإنشاء الأقل الحائر المازندراني محمد صالح بن فضل الله الشهير بالعلامة.

الطوسيّة الخامسة تخميس حماسة المعرّي اللامية المعروفة وهي خاتمة الرّحلة الطوسيّة

- ١) تلقتَ من روضِ المعرفة مائِلٌ
إِلَيْ رَشًا فِي بُزَّةِ الفخر مائِلٌ
أَقُولُ لَهُ وَالْمَجْدُ عَنِي بِسَائِلٌ
عَفَافُ وَإِقْدَامٌ وَمَحْدُ وَنَائِلٌ
- ٢) غَرَائِزُ دَرَتْ مِنْ عُيُونِ صَفَيَّةٍ
فَسِرَّ أَمَنَا فِي ظِلِّ نَفْسٍ أَبِيَّةٍ
بِأَرْبَاعَ قَدَ الْوَتْ بِكَلِّ دَنَيَّةٍ
يُصَدِّقُ وَاشِ أوْ يُخِيبُ سَائِلٌ
- ٣) وَلَيْ جَوَهْرُ فَرْدٌ وَلَكِنْ مَعْضُ
فَخَفَّ جَوَى ظَهْرِي بِهِ الْيَوْمِ مُنْقَضٌ
أَقْلُ صُدُودِي مُعْرِضٌ أَنْتِي لَكَ مِنْغِضٌ
وَأَيْسِرُ هَجْرِي أَنْتِي عَنْكَ رَاحِلٌ
- ٤) صَحْبَتُكُمْ دَهْرًا فَأَصْبَحْتُ زَيْنَكُمْ
وَزَانَكُمْ فَضْلِي فَمَازَجَ شَيْنَكُمْ
إِذَا هَبَتِ النَّكَبَاءِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ
فَشُكْرًا لَعِينِي حِيثُ لَمْ تَرَ عَيْنَكُمْ
- ٥) وَمُذْ ظَلَّتِ الدَّرَّاتُ ثَارَتْ مُثِيرَةً
لَقَدْ كَانَ أَجْزَائِي لَهُنَّ أَثِيرَةً
فَكِيفَ وَلَيْ حَبَكَ الْمَعَالِي وَشِيرَةً
لَا ذَنْبَ لِي إِلَّا الْعُلَى وَالْفَضَائِلُ
- ٦) طَوَّتْ فَكْرِتِي حَزَنَ الْبَسِيطِ وَسَهَلَهُ
رَوَّتْ فَطَرَتِي عَلَى الْمَحِيطِ وَنَهَلَهُ
وَفِي الدَّرِّ عِلْمِي سَامَ بِالْخَسْفِ جَهِلَهُ
كَانَيْ إِذَا طَلَّتُ الزَّمَانَ وَأَهْلَهُ
رَجَعَتُ وَعِنْدِي لِلأنَامِ طَوَائِلُ
- ٧) لَقَدْ ذَهَبَ الْمُؤْفُونَ إِلَّا أَقْهَمُهُمْ
وَلَمْ يَقِنْ إِلَّا النَّاكِثُونَ فَمَلَّهُمْ
وَقَدْ سَارَ ذِكْرِي فِي الْبِلَادِ فَمَنْ لَهُمْ
فَقَاؤُمْ فَضْلِي غَلَّهُمْ ثُمَّ غَلَّهُمْ
- ٨) إِذَا مَا دَهَى الْحَلَّى التِّي تَتَغَيِّرُ
فَمَعْصُوصُ الْأَيَامِ عِنْدِي مُيسَرٌ
وَإِنَّى عَلَى السُّحُبِ التَّقَالِ مُصِطَرٌ
بِهِمُ الْلَّيَالِي بَعْضَ مَا أَنَا مُضِرٌ
وَيَتَقُلَّ رَضْوَى دُونَ مَا أَنَا حَامِلٌ

- (٩) رأيت بعيني حين تغضى عياله
 وقلبت عن كينون دهري كيانه
 وأني وإن كنت الأخير زمانه
 وصنت سديم الكون ثم صوانه
 لات بما لم تستطعه الأوليُّ
- (١٠) وأفضى ولو كُلُّ الأنام غوارم
 وأمضي وفي وجهي الرماح قوائم
 وأغضى وبالعين النبال نواجم
 وأسرى ولو أن الظلام جحافلُ
- (١١) حفاطي مرليس يحلو طعامه
 وزندي ضرام السقط أورى اضطرامه
 وإنى جواد لم يحل لجامه
 ونضو يمان أغفلته الصيابلُ
- (١٢) فاما انتقضت العصب سل من يفله
 ومهما استويت العرش قل من يثله
 وإذا ما أحبتت (اجتبيت) الرث هل من يحله
 وإن كان في ليس الفتى شرف له
 فما السيف إلا غمده و الحمالُ
- (١٣) ولني نبأ مثلني نبيٌّ و مرسلي
 ولني قلم مستخدم ألف أنمل
 على آنني بين السمكين نازلُ
- (١٤) لئن قمت يوماً في مقامةِ أَحْمَدَ
 فدون مقامي فرقد فوق فرقاد
 ولدى موطن يشتقه كل سيم (سيد)
 وإن سدت سدت القوم بالعلم واليد
 ويقصُّ عن إدراكه المتناولُ
- (١٥) إذا ركبَ السلطان لم أرض ماشياً
 ولو غلبَ الشيطان لم أك خاشياً
 ولما رأيت الجهل في الناس فاشيا
 تجاهلت حتى ظن إنني جاهلُ
- (١٦) وكَمْ كَانَ فِي الْأَدْوَارِ عَنِي فَاحْصُ
 فَذَا قَادِفِي بِالذِّنْبِ ذَلِكَ مَاحِصُ
 وَمِنْ عَجَبٍ كَمْ سَيِّمَ بِالْغَشِّ خَالِصُ
 وَأَسَفًا كَمْ يُظْهِرُ النَّقْصَ كَامِلُ
- (١٧) وَسِيَانٌ عِنْدِي لَابَتا طبقاتها
 بِمَعْدِنِهَا أَوْ حَيَّهَا وَنَبَاتِهَا
 فَسَلَ هَلْ نَجَى سَخْصَانٌ مِنْ خُطُوطِهَا
 وَكَيْفَ يَنَامُ فِي وَكَنَاتِهَا

وَقَدْ نصِّبَتْ لِلْفَرَقَدِينَ الْجَائِلُ

- (١٨) تُؤَنِّبُ قَلْبِي كَيْفَ فِي كُدُرِّهَا صَفا
وَتَسْطُو عَلَى طَرْفِي إِذَا عَفَّ أَوْ عَفَا
وَلَمْ تَدِرِّ أَنِّي مَاجِدُ الْجَهْرِ وَالْخَفَا
يُنْافِسُ يُوي فِي أَمْسِي تَشْرَفًا
وَتَحْسُدُ أَسْحَارِي عَلَيَّ الْأَصَائِلُ
- (١٩) وَجَرَيَتْ دَهْرِي فِي شَاهٍ وَقَرِيفَهُ
وَأَغْضَيْتُ عَنْهُ بَيْنَ أَسْهُمْ طَرْفَهُ
تَلَمَسْتُهُ حَتَّى قَرَارَةِ ظَرْفَهُ
وَلَسْتُ أَبْلِي مَنْ تَعُولُ الْغَوَائِلُ
- (٢٠) وَنَقَبْتُ عَنْ مَكْنُونِهِ الْمُتَقْلِبُ
فَلَمْ أَبْقِي بَعْدِي مُورِّدًا لِلْمُنْقَبِ
فَلَوْ بَانَ عَضْدِي مَا تَأْسَفُ مَنْكِبِي
وَلَوْ ماتَ زَنْدِي مَا بَكَتْهُ الْأَنَاءِلُ
- (٢١) أَيْنُكُرُ وَرَدَ الْكَوَثِيرُ الْعَذْبُ صَادِرُ
وَمَعْدُلَ كَسْرِي قَاسِطٌ أَوْ مَكَاشِرُ
إِذَا وَصَفَ الطَّائِي بِالْبُخْلِ مَائِرُ
وَعَيْرَ قُسَا بِالْهَاهِهِ بِاقْلُ
- (٢٢) تُسَامُ بِزِيفِ سَكَّةِ صِيرَفِيَهُ
وَجَذْبُ الْبُرِّي رَبَّاتُ خَدِرِ صَفِيَهُ
وَقَالَ السُّهْيِ لِلشَّمْسِ أَنْتِ خَفِيَهُ
وَقَالَ الدُّجْيِ يَا صُبْحُ لُونَكَ حَائِلُ
- (٢٣) إِذَا الدَّهْرُ أَبْدَى لِلْفَقِيهِ كَرَاهَهُ
وَأَعْطَى عَلَى النَّاسِ السَّفَيِهِ بَاهَهُ
وَأَسْدَى إِلَى الْوَجْهِ الْقَبِيْحِ وجَاهَهُ
وَفَاخْرَتِ الشَّهْبُ الْحَصِيُّ وَالْجَنَادِلُ
- (٢٤) فَإِذَا لَمْ يَكُنْ لِلْحَرِّ فِي الدَّهْرِ قِيمَهُ
وَلِلْحَرِّ فِي الْكَوَنِينَ نَفْسُ كَرِيمَهُ
فَمَوْتُ الْفَتَى خَيْرٌ وَنَعْمَيْ عَظِيمَهُ
وَيَا نَفْسُ جَدِيِّي إِنَّ دَهْرَكَ هَازِلُ
- (٢٥) سَأَصْرِفُ عَنْكُمْ وَجَهَ رَجْلِي (رَحْلِي) تَشْرَفَا
فَلَنْ تَجِدُوا لِلْخَيْلِ وَالْخَيْرِ مَوْقِفَا
وَقَدْ اغْتَدَى وَاللَّيلُ يُبَكِّي تَأْسِفَا
فِي الْيَلِلَةِ الْزَّوْرَاءِ دُوبِي تَاهِفَا
- (٢٦) وَقُلْ لِلَّذِي يَبْغِي خِلَافَ الَّذِي اقْتَدَى
عَلَى نَفْسِهِ وَالنَّجْمُ فِي الْغَرَبِ مَائِلُ
تَزوَّدُ لِأَخْرَى مِثْلَهَا فَكَانَ قَدْ

فمن لي من الجُرد الشّوارِب في غَدِيرِ

لَهَا التَّبْرُ جَسْمٌ وَالْجِنِّ خَلَالٌ

(٢٧) وَعَيْنُ لَهَا نِجَالٌ لَا الْكُحُل زَانَهَا

وَلَا حِندِسُ الْمُومَاء وَالْيَمَ خَانَهَا

كَأَنَّ الصَّبَا أَقْتَ إِلَيْ عِنَانَهَا

تَخْبُّ بِسَرْجِي مَرَّةً وَتَنْقِلُ

(٢٨) وَيَسِيقُهَا حَتَّى إِذَا مَا تَعَرَّضَتْ

لِأَذْنَابِهَا كَالْنَقْعِ عَنْهَا تَنْغَصَتْ

فَلَا الْمَاء يُشْنِي عَزْمَهَا مِنْ وَجَأَ قَضَتْ

عَنِ الْمَاء فَاشْتَاقَتِ إِلَيْهَا الْمَنَاهِلُ

(٢٩) فَيَا أَيُّهَا اللَّيل الطَّوِيل دُجُوهُ

كَحِبْلٍ بِعِينِي طَالَ فِيهَا عُتُوهُ

وَلَيَلَانٍ حَالٍ بِالْكَوَاكِبِ جَوَهُ

وَآخَرُ مِنْ حُلُّ الْكَوَاكِبِ عَاطِلُ

(٣٠) فِي الْلَّيل شَطٌّ بِالْخُسْرِ فَوْزُهُ

وَطَالَ لِلَّمِ النَّحْسِ وَالَّدَمِ حَوْزُهُ

وَلَيَلَانٍ حَالٍ بِالْكَوَاكِبِ جَوَهُ

وَآخَرُ مِنْ حُلُّ الْكَوَاكِبِ عَاطِلُ

(٣١) يَشْقُ دُجَاهٌ صَادِقٌ لَا مُفْنِدٌ

فَعَنْ غَمَدِهِ يَنْسِلُ ذَاكَ الْمُهَنْدُ

كَأَبِيسَنَ يَجْرِي فِيهِ (مِنْهُ) رُوحٌ مُجْرَدٌ

بِوَصْلٍ وَضَوءُ الْفَجْرِ خَبُّ (صَبُّ) مُمَاطِلٌ

تمٌ هنا تخميس حماسة المعرّي و منها انتقلنا إلى مدح الرّضا عليه السلام.

(١) أَلا أَيُّهَا الشَّادِي بِمَا أَنَا قَائِلٌ

لَكَ اللَّهُ مِنْ ذِي خُلَّةٍ لَيْ يُشَاكِلُ

تَرَنَّمٌ فَمَا سَمِعِي قَدِيتُكَ نَاكِلٌ

إِلَى اللَّهِ فِيمَا ادْعَيْ أَنَا وَاكِلٌ

(٢) وَأَنْبَاتُ عَنْ نَفْسِي بِمَا قَدْ مَكَثَتْهَا

مُبَاهاةً صِدْقِي كَالْجِنِّ سَيَكُثُها

وَقَدْ شَهَدْتُ لِي أَنَّ مَا قُلْتُ حَاصِلٌ

(٣) وَكُلُّ الَّذِي باهِيَتُ فِيهِ بِمَلْكِهِ

وَمَمْعَدُ جُمَانٍ نِطْلُتُ مِنْهُ بِسَلْكِهِ

وَمِنْ فَلَكٍ سَيَرْتُ فِيهِ وَفَلَكِهِ

سِمَاحٌ امْرَءٌ قَدْ فَضَّلَتْهُ الْأَفَاضُلُ

٤) هُمَامٌ فَقَدْنَافِيَ الْمَعَالِي مِثَالَهُ
وَلَوْ حَطَّ فَوْقَ الْفَرَقَدِينَ أَثَالَهُ

وَدُوْ نَجَدَةٌ ذُو النَّجَدَتَيْنِ جَشَّى لَهُ
وَعَنْهُ نِضَارُ الْأَرْضِ السَّيْلُ مَائِلُ

٥) فَتَىٰ يَشْرِبِيٰ مِنْبَيٰ سَمِيَّعُ
أَعْزُّ أَسِيلُ الْخَدَّ أَحْمَرُ أَنْصَعُ

أَسْمَ رَحِيبُ الصَّدَرِ وَالدَّارِ أَرْوَعُ
خَضْمُ كَبِيرُ الْقَدْرِ فَرْمُ حَلَاجِلُ

٦) إِذَا جَادَ فَالْدَنِيَا دَنِيٰ (قَلِيلٌ) بِعِينِهِ
وَإِنْ سِيْكَتُ مِنْ تَبْرِهِ وَلْجِينِهِ

فَيُوْفِيهِ مِنْ أَغْلَى الْمَعَالِي وَزِينِهِ
خَوَّى السَّحْبِ ثَقَلَى بَرَّهُ وَالْكَوَاهِلُ

٧) وَمَنْ يُعْطِ رُوحَ الْمَجْدِ وَالْفَضْلِ فَاضِلٌ
فِي كُلِّ أَنِّي كَانَ لِلنَّفْسِ بِاَذْلِ

وَلَوْ كَانَ عَرَضَ الْأَرْضِ بِالْتِبْرِ سَائِلًا
فَلِمَالٌ جَمَّاً بِاَذْلِ النَّفْسِ بِاَذْلِ

٨) لَقَدْ سَارَتِ الرُّكْبَانُ حَقًا بِجُودِهِ
لِمَنْ سَالَهُ أَوْ لَمْ يَسْلِ وَوْفُودِهِ

وَدَانِ وَنَاءٍ عَنْ مُقاَمَةِ سُوَدِهِ
وَدَادِ كُلِّهِ نَزَرُ لَدِيهِ قَلَائِلُ

٩) رَأَى الزُّهْدَ فِي الدُّنْيَا لَهُ وَلَنْجَلِهِ
وَفِي خُفْقِ بَنْدِ الرَّكَبِ أَوْ صَفَقِ رَجْلِ

أَحَالَ جَبَالَ الدَّهْرِ (الْأَرْضِ) تِبْرًا لِأَجْلِهِ
وَكَانَ لَدِيهِ مُسْجَلًا وَهُوَ سَاجِلٌ

١٠) وَمَنْ مُلْكُ السَّبْعِ السَّمَاوَاتِ طَرَهَا
وَسَبْعًا مِنَ الْأَرْضِينَ بَحْرًا وَبَرَهَا

وَمَا قَدْ حَوَّتْهَا نَفْعَهَا ثُمَّ ضَرَّهَا
وَأَحَصَى مُحِيطًا خَيْرَهَا ثُمَّ شَرَّهَا

فَهَلْ هُوَ لِلْمُكْ الْمُعْجَلُ قَابِلُ

١١) وَفَيِ زُهْدِهِ قَدْ كَانَ أَفْضَلَ صَاحِبٍ
فَعُقَبِيٰ لِرَهْبَانِيٰ وَ دُنِيًّا لِرَاغِبٍ

وَقَدْ خُطَّ فِي دِينَارِهِ دُونَ كَاتِبٍ
أَلَا إِنَّمَا الدُّنْيَا كَنْزِلٌ رَاكِبٍ

أَنَّا خَعَشِيًّا وَهُوَ فِي الصُّبْحِ رَاحِلٌ

١٢) وَقَدْ قَالَهَا مِنْ قَبْلُ مِنْ طَلْقِ الدُّنْيَا
ثَلَاثًا بِلَا رَجَعٍ وَإِنْ قَدْ تَمَكَّنَا

- فما غرَهُ بِيَضْ وَصَفْرُ لَا مُنْيٌ
وَذَا أُسْوَةَ كَانَتْ لَهُ وَلِمَنْ عَنِ
سَوْءٌ لَهُ مَا زَالَ أَوْ مَا يُزَاوِلُ
١٣) وَمَنْ قَلْبَ الدُّنْيَا لَظَهَرَ بُطُونَهَا
دَرِي شَانَهُ لَا يَسْتَوِي وَشَوْئُنَهَا
فَقِيمَتُهَا مِنْهُ هَبَاءُ وَدُونَهَا
وَعَفْطَةُ عَنْزٍ أَوْ رَوَالٌ وَرَاملٌ
١٤) فَمَنْ لِلْحَصْى سَاوِي (سَوَى) بِدَرٌ مُنْضَدٌ
وَقَالَ الْعَصَا ماضٍ كَسِيفٌ مَهَنَدٌ
أَوْ الزِّبَدُ الْجَافِي بِقَلْبٍ وَمَغْزُودٌ
وَقَالَ لِسْعَفِ النَّخْلِ أَسْمَرُ ذَابِلٌ
١٥) بَلَى كَمْ مِنَ الْإِنْسَانَ مَنْ يَتَكَلَّمُ
وَلَكَنَهُ مِنْهُمْ فَصِيحُ وَأَعْجَمُ
وَلَا كُلُّ شَادٍ مُطْرَبٌ أَوْ مُيَمَّمٌ
وَهَلْ تَسْتَوِي غَرَبَانِهَا وَالْعَنَادِلُ
١٦) وَلَا تَسْتَوِي الْأَلْفَاظُ حَتَّى مَلَاحِهَا
كَذَاكَ الْمَعْنَى لَا تُسَاوِي صَاحِحَهَا
وَمَنْ شَفَتَهُ لِلصَّدُورِ انشَرَاهُهَا
وَمَنْ قُولُهُ الْفَصْلُ الْمَهِيمُنُ فَاقْصِلُ
١٧) وَلَا كُلُّ مَنْ بِالضَّادِ يَنْطِقُ مُخْطَبٌ
وَلَا كُلُّ مَنْ حَازَ الْخِطَابَةَ مُعْجِبٌ
وَلَا الْمُعْجِبُ الْحَادِي يَهْزُ وَيُطْرِبُ
وَلَا مَلْكُتُهَا كَالْعَبِيدِ الْخَصَائِلُ
١٨) إِنَّ مَلْكَتَهَا ثُمَّ جَاسَ خَلَالَهَا
لَهُ قَدْ خَلَتْ عَنِ غَيْرِهِ وَخَلَالَهَا
خَلَالًا لَهُ كَانَتْ وَكَانَ خَلَالَهَا
فَقَدْ يَطْرُقُنَّهَا بِالشُّكُوكِ الدَّخَائِلُ
١٩) فَيَرِتَدَ بِالْأَهْوَاءِ يَوْمًا كَلَاهُمَا
عَنِ الدِّينِ زِيَادًا وَالضَّلَالُ مَلَاهُمَا
لِمَا قَلَبَ رَبُّ الْهُدَى فَقَلَاهُمَا
فَلَا الْحَقُّ يَدْنُو مِنْهُمَا لَا وَلَا هُمَا
إِلَى مِثْلِ ذَا أَمْرِ الْمُخَادِعِ آئِلُ
٢٠) وَلَكِنَّ رَبِّيَا عَلَا وَتَقَدَّسَا
وَعَنْصِرُهُ نُورٌ أَتَمَ لِيَقِبَسَا
أَبِي اللَّهِ حَتَّى الْمَوْتِ فِيهِ الْمُوسُوسَا
إِذَا اتَّخَذَ الصَّدْرَ الْمُتَيِّمَ مَدْرَسَا
وَقَدْ طَابَ مَحْمُولُ التَّجَاهِ وَحَامِلُ

٢١) فَدَا مِنْ عِبَادِ اللَّهِ خَيْرُ عِبَادِهِ
فَلَا هُوَ يُلوِى جِيدَهُ عَنْ قِيادَه

فَهَذَا امْرَءٌ لِلأَمْرِ أَهْلٌ وَآهْلٌ

٢٢) عَلَيْ بْنِ مُوسَى الْخَيْرِ أَبُو الْحَسْنِ الرَّضا
إِمَامُ بَمِّ الْحَقِّ وَالْعَدْلِ قَدْ قَضَى
سَلِيلُ الْأُولَى رَبُّ الْعَالَى لَهُمْ ارْتَضَى
خَصَارَمَةً غَرْ جَاجَحةً وَضَا
بِهِمْتَهُمْ هَانَ الْخُطُوبُ الْجَائِلُ

٢٣) مِنَ الْمُصْطَفَيْنِ الْعَالَمِلِينَ بِأَمْرِهِ
فَمَا مِنْهُمُ مِنْ هَانَ عَنْهُ لِعُمْرِهِ
فَطَهْرَهُمْ مِنْ كُلِّ رِجْسٍ وَغَمْرَهُ
وَنُصْبٌ وَأَذْلَامٌ وَقَمْرٌ وَخَمْرٌ
جِيَوْبَهُمْ طَابَتْ وَطَابَ الْغَلَائِلُ

٢٤) فَلَلَّهُ أَصْلَابُ كَرَامُ عَقْدَنَهُ
وَلَدُوا بِأَصْدَافِ الْلَّئَالِي نَضَدَنَهُمْ
وَمَنْ سَكَنُوا السَّبْعَ الْعَوَالِي حَمَدُهُمْ
لَهُنَّ حَسَانُ الْخَلْدِ بُشْرَى قَصَائِمُ
فَوَاطِمُ رِبَاتُ الْخُدُورِ الْعَقَائِلُ

٢٥) مَطَاعِيمُ فِي الْبُؤْسِيِّ مَطَاعِينُ فِي الْوَغَىِ
مَنَاطِيقُ مِنْ مِنْهُمْ رَقَى الْعَرْشَ أَبْلَغُ
مُجِيِّرُونَ مِنْ يَلْجَأُ مُبِرُونَ مِنْ طَنْيِ
بِهِمْ أَنْعَشَ الْأَيَتَامُ عِشَنَ الْأَرَاملُ

٢٦) إِذَا نَدَوَةَ التَّقْرِيرِصَ غَصَّتْ بِأَهْلِهَا
وَطَافُوا عَلَى جَزَلِ الْقَوَافِيِّ وَسَهَلُهَا
فَهُمْ مَنْهَلٌ لِلْعَلَّ مَوْرِدُ نَهْلِهَا
يَاعْطَافِهِمْ عُصْنُ اللَّغِيِّ مُتَهَادِلُ

٢٧) إِذَا عَقَدُوا أَوْفُوا وَإِنْ وَدَعُوا وَفَوَا
وَإِنْ وَدَدُوا أَصْفَوَا وَإِنْ هَمَدُوا نَفَوَا
وَإِنْ سَبَلُوا وَفَوَا وَإِنْ سُلَلُوا كَفُوا
فَمَا صَفَوْهُمْ قُدُّ كَدْرَتَهُ الْبَلَابِلُ

٢٨) وَكَمْ مِنْهُمْ قَرْمٌ لَدِي الْجَدُّ أَمْطَرَا
لُجِيَّنَا وَعَقِبَانَا وَدُرَّا وَجَوَهْرَا
وَمَنْ نَفْسُهُ كَادَتْ (هَمَتْ) تَقْرَبُ لِلْقِرْيَ
وَعِنْدَ افْتِرَامِسِ الْقَرْنِ لَيْثُ مُصَابُلُ

٢٩) وَمَا مِنْهُمْ إِلَّا كَبِيرٌ مُعَظَّمٌ
وَطَوْدٌ وَقَوْرٌ أَوْ أَمِيرٌ مُنْظَمٌ
وَأَفْرَسٌ خَيَالٌ وَأَمْرَسٌ شَيْظَمٌ
وَرَاعِي كَظَامِ الْأَمْرِ لِلْغَيْظِ يَكْظَمُ

وَأَشَرَسْ ذِيَالُ وَأَشَوَسْ باسِلُ

(٣٠) وَأَنَعُمْ مِنْعَامٍ وَأَكْرَمْ مُطْعَمٍ
وَأَقْوَمْ مِقدَامٍ وَأَدْعَمْ مُدْعَمٍ
وَأَغْوَصِ فِي تِيَارِ جَيْشِ عَرْمَمٍ
عَلَى رُمْحِهِ مِنْهُمْ دَمُ الْقَلْبِ هَاطِلٌ (هَامِلٌ)

(٣١) أُولُو الْعِلْمِ وَالتَّقْوَى أُولُو الْفِكْرِ وَالنَّهْيِ
أُولُو الذِّكْرِ وَالدُّعْوَى أُولُوا النُّورِ وَالبَهَا
أُولُو الْجُودِ وَالْجَدُوِى أُولُو الرَّأْيِ وَالدَّهَا
إِلَى غَيْرِهِ لَمْ تُومِنْهَا الْأَنَاءِلُ

(٣٢) تَوَاصَوْ بِتَوْحِيدِ الْمَلِيكِ الْمَهِيمِ
وَصِيَّةِ إِسْرَائِيلَ إِذْ قَالَ يَا بْنِي
بَرَائَةَ إِبْرَاهِيمَ ذِي الْخَلْلَةِ السَّنِي
وَلَمْ يَعْبُدُوا الْأَوْثَانَ طَرْفَةَ أَعْيَنَ

بِهِمْ حَجَّتِ اللَّهُ الْخِصَامُ الدَّلَالُ

(٣٣) وَصَبَّيْهِمْ فِي الْمَهَدِ مِثْلُ ابْنِ مَرِيمِ
إِلَيْهِ دَعَتْ بِالْعَيْنِ وَالْيَدِ وَالْفَمِ
رَمَتْهَا وَنَادَتْهَا أَخْسَائِي لَا تُكَلِّمِي
وَكُلُّ لِقَوْمٍ خَاصِّمُوهَا (بَاهُولَاهَا) مُبَاهِلُ

(٣٤) فَلَلَّهُ شَيْانُ لَهُمْ وَالْمَشَائِخُ
شَوَارِحُ أَسْفَارِ الْهُدَى وَالْتَّوَاسِخُ
جِبَالُ الْمَعَالِي الرَّاسِيَاتُ الرَّوَاسِخُ
وَحُمْرُ الْلَّوَا سُدُّ الْعَرَبِينَ الْبَوَاسِلُ

(٣٥) عَلَيْ بنِ مُوسَى غُرَّةُ لِجَاهِهِمْ
عَلَيْ بنِ مُوسَى دُرَّةُ فِي شِفَاهِهِمْ
عَلَيْ بنِ مُوسَى طُرَّةُ فَوْقَ جَاهِهِمْ
عَلَيْ بنِ مُوسَى ثَرَّةُ لِمِيَاهِهِمْ
بِهِ لَهُمْ صِينُ الْحِمْيَ وَالْمَعَاقِلُ

(٣٦) عَلَيْ بنِ مُوسَى زِينَةُ الْمَوَحدِ
عَلَيْ بنِ مُوسَى قُرَّةُ الْعَيْنِ فِي غَدِ
إِذَا غَلَّتِ الْأَيْدِي وَرَضَّ الْكَلَالِكُلُّ

(٣٧) عَلَيْمُ حَبَّاهُ اللَّهُ غَيْبُ الْعَوَالِمِ
فَاعْلَامُهُ مَنْصُوبَةُ فِي الْمَعَالِمِ
أَبِيُّ عَلَى مَنْ ضَامَ كُلَّ الْمَظَالِمِ
حَفَيْ بِحَلَّ الْعَقْدِ عَنْ كُلِّ عَالَمِ
إِذَا عَقَدَتِ الْمَشَكَلَاتِ الْمَسَائِلُ

(٣٨) حَلَيمُ عَلَى الْعَادِي عَلَيْهِ بِمَا هَذَا
بِأَحْسَنِ قَوْلٍ مِنْهُ يُنْشَرُ وَالشَّذَا

فَإِنْ أَخْذَ الْحَقُّ الْهُدَى مِنْهُ مَا خَدَا

وَخَابَتْ ظُنُونُ ظَهَّاً وَالْمَخَايْلُ

(٣٩) وَلَا يَقْصُ الْبَحْرُ الْعَطْمَمَ مَائِهُ

إِذَا مَأْهُ طَلَّا مِنَ الرَّشْحِ سَائِهُ

غُثَاءُ وَعَصْفُ سَيْمَ كُلُّ حُوَائِهُ

وَأَبُ ذَوِي وَاجْتَثَ بِالْأَرْضِ وَاحْلُ

(٤٠) فَيَا عُنْصَرًا قَدْ طَابَ مِنْهُ الْعَانِصِرُ

وَفِي الْأَمْرِ مَعْقُودٌ عَلَيْهِ الْخَنَاصِرُ

بُكُورًا كَذَا أَصْالُهُ وَالْمَعَايِرُ

بَيْتُ وَمَا عَيْنِيهِ بِالْغَمْضِ كَا حَلُ

(٤١) وَلَمْ أَنْسِ إِذَا حَمَى أَصْوَلَ الْهَرَابِدِ

وَهُمْ خُشْعُ أَبْصَارَهَا وَالْمَوَابِدِ

فَرَزَندُ وَوَسْتَةِ قَبْلَا كَفَ نَابِدُ

وَقَامَتْ مِنَ الدِّينِ الْقَوِيمِ الْمَشَاعِلُ

(٤٢) بَلَى مِنْ أَخْلَلَ اللَّهُ لَنْ يَجِدَ الْهُدَى

أَمَا تَقْرَءُ الْقُرْآنَ أَمَنَ وَاهْتَدَى

فَشَرَطَ الْهُدَى بَعْدَ النَّبِيِّ يَمَنَ بَدَا

فَلَآبِدُ مِنْ مُسْتَحْفَظٍ هُوَ كَافِلُ

(٤٣) صَدُوقٌ فَلَا يَكُونُ عَلَمٌ أُورَعٌ

وَأَعْدَلٌ لَا يَصْبُوا عَفٌ وَأشْجَعٌ

فَهَذَا الَّذِي لِلْخَلْقِ فِي الْحَسْرِ مَفْزَعٌ

لَمَّا كَانَ فِي الدِّينِ اخْتِلَافٌ وَجَاهِلٌ

(٤٤) فَسَلَ مَنْ وَشَى مِنْ يُسْتَجَابُ دُعَائِهُ

إِأَنْتَ أَمْ الْمَعْقُودُ بِالشَّرْكِ مَائِهُ

وَمَنْ ضَحَّ مِنْهُ فِي الْبَسِيطِ دَمَاهُ

وَخَمْرٌ وَفَحْشَاءٌ وَلَغْوٌ وَبَاطِلٌ

(٤٥) طَوَاغِيْتُ هَذَا يَطْلُبُ الْمُلْكَ جَائِراً

وَذَاكَ يُرِيدُ الْجَاهَ بِالْعِلْمِ أَمْرَا

وَهَذَا بِجَهْلٍ يَتَبعُ الْعَمَرَ حَائِراً

كَذَاكَ يَمُوتُ الْعِلْمُ وَالْدِينُ رَاحِلٌ

(٤٦) كَسَوا وَحدَةَ إِلَسَامٍ شَكَلاً مُرْبَعاً

نَفَوا نَصَّ أَهْلِ الْبَيْتِ مُرْئِيًّا وَمَسْمَعِيًّا

١. وَخَمْرٌ وَخَمِيرٌ وَهَزْلٌ وَهَازِلٌ (نَسْخَهِ بَلْل).

- وَكِمْ لِمَوَاضِعِ الْأَحَادِيثِ مَنْ سَعَى
لِيُنْسَدِ أَبْوَابُ النَّبِيَّةِ أَجْمَعًا
- إِذَا فُتْحَتْ بَابُهَا سَدَ رَاكِلُ
وَصَنْاعُ زُهْدٍ يَحْتَدُونَ مِثَالَهَا
- (٤٧) وَصَوْنَعْ عُبَادُ الرِّبَاءِ قِبَالَهَا
وَقَاضِيٌّ وَمُفْتٌ قَدْ أَقْيَمَا حِيَالَهَا
- فَتِلْكَ فُرُوضٌ أَنْكَرُوا وَنَوَافِلٌ
وَآبَائِهِ الْعُلِيُّا وَآبَائِهِ الْوِضَا
- (٤٨) فَحَمَدًا لِرَبِّ قَدْ هَدَانَا إِلَى الرَّضَا
أَئْمَمَةِ دِينٍ أَكْمَلَ اللَّهُ وَارْتَضَى
- فَمَنْ غَائِبٌ يُرجَى وَمَنْ ظَاهِرٌ مُضى
لَهُمْ شَهَدَتْ ثُورَاتُهُ وَالْأَنْاجِلُ
- (٤٩) وَهُمْ يَرِثُونَ الْأَرْضَ إِذْ دَارَتِ الرُّحْيَى
بِذَاكَ زَبُورُ اللَّهِ وَالذِكْرُ مَرْحَا
- سَوَاءُ عَلَيْنَا أَنْ تَوْلِي وَتَسْمِحَا
مَجَالٌ شَدِيدٌ حَارٌ فِيهِ الْمَجَادِلُ
- (٥٠) إِذَا ازْدَلْفَتْ فِي شَهَدِ عَظِيمَاهُ
وَأَحْضَرَ فِي أَرْضِ سَوَى حَكْمَاهِ
- فَهُمْ أَرْضُهُ فِي الْفَضْلِ وَهُوَ سَمَاءُهُ
بَلِي وَحْدَهُ كُلُّ الْبَرِيَّ شَامِلُ
- (٥١) وَأَيْنَ مِنَ الْفَسْلَانِ عِذْقُ مَرْجَبٌ
أَوَ الْأَذْهَبُ الْإِبْرِيزِ فَطْرُ مَذْهَبٌ
- أَوَ الْأَحْوَصُ الْأَعْشَى مِنَ الْتَّجْلِ أَهْدَبٌ
وَرَاسٌ وَنَاصَةٌ ذَنَابِيٌّ وَمَذْنَبٌ
- أَوَ النَّزْلَجِيُّ أَوَ الطَّلَ وَأَبِيلُ
بَلِي إِنَّ مِنْ إِيَّاهُ سَوَى لِغِيرِهِ
- (٥٢) عَلَى أَهْلِهِ قَدْ سَدَ أَبْوَابُ خَبْرِهِ
وَمِنْ جَدَّهُ الْأَلْوَى بِأَجْدَلِ طَبِيرِهِ
- وَلَا مَازَ شَهَدَ النَّفْعَ مِنْ صَابَ ضَيْرِهِ
سَوَاءُ عَلَى هَذَا صَدِيقُ وَخَاتِلُ
- (٥٣) وَمَا كُلُّ مَنْ مَدَ النُّسْوَعَ وَشَدَّهَا
وَخَشَّ الْبُرَى حَتَّى يُسَدَّ مَسَدَّهَا
- وَبِالْعِلْمِ رُوَادَ الْعُلُومِ أَمْدَهَا
كَمَنٌ بَلَغَ الْأَعْضَادَ طَوْلًا أَشْدَهَا
- فَمَاذَا نُسَوَّعُ أَوْ بَرِيُّ أَوْ جَمَائِلُ
لَوْ أَنَّ قَضَايَا الدَّهَرِ أَظْلَمَ يَوْمَهَا
- (٥٤) وَكَعَ حَسِيرُ الْطَّرْفِ عَنْهُنَّ قَوْمُهَا
وَرَنَّ يَادَانُ الْمُقْلَنِينَ لَوْمُهَا
- هُنَا انْحَرَ مُمْتَازًا وَفِي وَمَاطِلُ

٥٥) فِي قَبْةِ الْعِزَّةِ الَّتِي رَاقَ تِبْرُهَا
وَقَبْةِ رُمَانٍ بِهَا حَفَّ خَبْرُهَا

بِكَأسٍ مِنَ الْعِقَيْلَانِ فِيهَا سَلَاسِلُ

٥٦) عَلَى حَرَمِ اللَّهِ الْمَنِيعِ الْمُؤَسِّسِ
لِيذْكُرَ فِيهِ اسْمَ الْمُهَمِّمِينَ إِذْ نُسِيَ
بِشَكْرٍ وَغُفْرٍ مُؤْمِنٌ وَامْرَءٌ سُيِّءٌ
فَيَثْقَلُ خَفُّ أَوْ يُخْفَفُ ثَاقِلٌ

٥٧) ضَرِيحٌ بِهِ جَسْمٌ لِرُوحٍ مُهَدِّبٍ
وَنَبَّيُّ اللَّهِ مِنْ لَمْ يُكَذِّبْ
بِهِ رُوحُ عَلَيْيْنِ يُكَسِّي وَيَجْتَبِي
سَتَدْفَنُ فِي طُوسِ الْعَلَا بِضَعَةُ النَّبِيِّ
إِلَيْهِ يَشُدُ الرَّحْلَ رَكْبٌ وَدَاجِلٌ

٥٨) فَمَنْ زَارَهُ شَوَّقًا وَيَعْرِفُ حَقَّهُ
وَبَرَّ رَسُولَ اللَّهِ بِالْبَرِّ صَدَقَهُ
تُشَدُّ لَهُ بِالْعَقَرِيِّ الْمَحَالِلُ (الرَّحَائِلُ)

٥٩) فَلَلَّهُ أَيْتَهُ وَشَطَّ بِهِ النَّوْيِّ
فَيَكْشِفُ عَنْهُمْ عِنْدَ مَرْقَدِهِ الْجَوَى
رِجَالًا وَرُكْبَانًا عَلَى الدِّينِ لَا الْهَوَى
وَأَشْبَعَ طَاوِيهِمْ وَصَادِيهِمْ ارْتَوَى
وَلَمْ تَشْكُهُمْ أَفْرَاسُهُمْ وَالرَّوَاحِلُ

٦٠) إِذَا مَا حَدَّى الْحَادِي إِلَيْهِ جَمَالَهُمْ
وَنَادَى نِسَاءَ الْحَيِّ ثُمَّ رِجَالَهُمْ
خَدَّتْ عِيْسَهُمْ شَكْرًا فَتَيًّا وَبَازِلًّا

٦١) أَلَا أَيُّهَا الْمَوْلَى الَّذِي هُوَ مَغْرَعِي
مِنَ السَّقِيمِ الْمُضْنِي لِقَلْبِي وَأَضْلَعِي
أَتَيْتُكَ أَسْتَشْفِي بِقَبْرِكَ فَاسْمَعْ
مَدِيْحِي وَإِقْبَلْهُ وَصَلَّنِي وَأَسْرَعْ
فَقَدْ قَبِيلَ خَيْرُ الْخَيْرِ مَا هُوَ عَاجِلٌ

نجزت القصيدة بحمد الله وفضله في محرم الحرام (١٣٦٢) على يد منشيها محمد صالح بن فضل الله الحائز المازندراني في المشهد المقدس الرضوي على صاحبه صلوات الله ورحمته وبركاته.

شكرية على الشفاء والعافية

سليل موسى علياً بالرضا سادا
كليًّا و طحلاً و أحشائًا و أكبادا
عليه أشهدتُ أعضاداً و أشهدا
برءٍ به الربُّ المرءوب قد جادا
أو قمتُ كالغصن ميالاً و ميادا
به و كُلُّ طبيبٍ بالرّدِّي نادي
الرّضا لدى الله عن دين الهدى حاما
رّبي و قبة عقيانٍ له شادا
و الرّسل والنّاس أزواجاً و أفرادا
أعنةَ الملة البيضاء قد قادا
ماذا ضمنتَ من الخيراتِ مرتادا
وزادكَ الله خيرَ الخير فازدادا
طهر يذومونَ أحراراً و أمجادا
و كُلُّ أمنع عن دين الهدى وادا
أئمةَ سادةَ عاليين أجوادا
عبدًا مطليعاً لهم لله منقادا
فربعه أهل فضلاً و إرشادا
فالحقُّ في غيرِكم قد بار أو بادا
وليس يخلف ميثاقاً و ميعادا
فطُفْ بها و تزودَ منها الزادا

- ١) شكرأً لربّي و من حلَّ السنابادا
- ٢) على شفائي من سُقمٍ يُذيبُ ضناً
- ٣) أتيت مشهدَه مستشفياً فشفني
- ٤) حمدأً لربّ رضاه في رضاه على
- ٥) قد كنتُ إن نمتُ كالمنبوح مضطربا
- ٦) فزرتُه فأراني الله عافيتي
- ٧) من اغتنى منكراً زلفي أبي الحسن
- ٨) فديتُ شبابكَ فولاذاً أقامَ له
- ٩) حفت ملائكة العرش المجيد به
- ١٠) لله قبرُ ثوى فيه إمام هدى
- ١١) يا قبر طوسٍ سقاكَ الله رحمته
- ١٢) ضمَنتَ خيرَ البرايا و ابن خيرته
- ١٣) من عصبةٍ حيهُم حرُّ و ميتهم
- ١٤) من كُلَّ أروع قرم زانه شمم
- ١٥) آمنتُ بالله و إثنى عشرة حججاً
- ١٦) سلماً لسلمهم حرباً لحربهم
- ١٧) في كلَّ عصرٍ لنا منكم إمام هدى
- ١٨) حتى متى يزهَر الحقُّ المنير بكم
- ١٩) سيُظهرُ الله منكم غَيْبَ حُجّته
- ٢٠) وفي قبوركم أجرٌ و مغفرةٌ

ارجلها منشيها الأقلَّ الحائرِي محمد صالح بن فضل الله المازندراني الشهير بالعلامة، في صفر
الخير المظفر في المشهد الرضوي عليه السلام (١٣٦٢).